

## الملحق ۶

### پیوست ۶

فلتعبر عني هذه الكأس تفسیر المسیحیین

تفسیر مسیحیان درباره «این جام از من بگذرد»

أمثلة من محاولات التفسیر لدعاء عیسی (ع) أن یعبر عنه كأس العذاب  
والصلب مع مناقشة بعضها

نمونههایی از تلاشها برای تفسیر دعای عیسی ع که جام عذاب و صلیب از  
او برداشته شود و بحث و بررسی برخی از آنها

۱- نص من تفسیر القمص تدرس یعقوب ملطي لإنجيل لوقا یحتوي علی  
اقتباسات لعدد من العلماء المسیحیین القدامی.

۱- متنی از تفسیر کشیش تادریس یعقوب ملطي از انجیل لوقا که شامل  
اقتباسی از تعدادی از علمای مسیحی گذشته است.

يقول القمص تدرس یعقوب ملطي:

(ثانياً: "وانفصل عنهم نحو رمية حجر وجثا على ركبتيه وصلّى". وكأنه قد ترك الثمانية عند مدخل البستان والثلاثة في داخله، لكنه انطلق بعيداً عنهم نحو رمية حجر كمن يدخل قدس الأقداس، لكي بصليبه يمزق الحجاب الحاجز، ويفتح الأبواب الدهرية لمؤمنيه.  
لماذا جثا على ركبتيه وصلّى؟

کشیش تادریس یعقوب ملطی میگوید:

(دوم: "و او از ایشان به مسافت پرتاب سنگی دور شده، به زانو درآمد و دعا کرد". گویا هشت نفر را در ورودی بوستان و سه نفر را داخل آن ترک کرده است، اما از آنها به اندازه پرتاب یک سنگ دور شد؛ مانند کسی که به قدس الاقداس داخل می‌شود تا با به‌صلیب‌رفتن خود حجاب مانع را از هم بدراند و درهای بی‌انتها را برای مؤمنانش بگشاید. چرا به زانو درآمد و دعا کرد؟

أولاً، ليؤكد لنا ناسوتيته، فقد صار إنساناً بحق، وليس كما ادعى بعض الغنوسيين أنه حمل جسداً خيالياً غير مادي. لقد شاركنا ناسوتيتنا، ودخل معنا في بوتقة الألم ليس مثلنا بسبب خطية ارتكبتها، وإنما من أجل حبه لنا. كان متألماً، لكنه في آلامه كان فريداً، لأنه بلا خطية وحده. من هذا الجانب ومن جانب آخر أراد أن يعلمنا عملياً ألا نكف عن الصلاة، خاصة وقت الضيق.

اول: ناسوت‌بودن (انسان‌بودن) خودش را برای ما تأکید کند؛ زیرا به‌واقع او انسان شد؛ برخلاف بعضی از غنوسی‌ان که ادعا می‌کنند او جسمی خیالی و غیرمادی داشت. در انسانیت با ما شریک شد و همراه ما در بوتۀ دردها وارد شد، نه همانند ما به‌سبب گناهی که مرتکب شده باشد، بلکه فقط به‌دلیل دوست‌داشتن ما. رنجیده شد، لیکن در رنج‌هایش تنها بود؛ زیرا تنها او بیگناه

بود؛ و از طرف دیگر می‌خواست در عمل به ما نشان دهد دست از دعا برداریم؛ به‌خصوص زمانی که در تنگنا هستیم.

أما انفصاله "نحو رمية حجر" فكما يقول القديس أغسطينوس أن "الحجر" هنا يذكرنا بالشرية الموسوية التي نُقِشت على حجر، فقد انفصل بهذا المقدار ليعلم أن غاية الشريعة هي السير نحو المسيح الذي ليس ببعيدٍ عنهم، لكن كان يمكنهم خلال ما ورد في الناموس أن يتعرفوا عليه ويقبلوه في حياتهم.

اما دورشدن او «به مسافت پرتاب يك سنگ» چنانچه قدیس اغسطينوس می‌گوید «سنگ» در اینجا شریعت موسی را که بر سنگ نقش بسته بود به ما یادآوری می‌کند. به این مقدار دور شد تا نشان دهد هدف شریعت، حرکت به سمت مسیحی است که از آنها دور نیست و آنها می‌توانستند از طریق آنچه در تورات آمده است او را بشناسند و در زمان حیات خود، او را پذیرا باشند.

هذا ويرى القديس غريغوريوس أسقف نيصص أن السيد جثا على ركبتيه وصلبى بمفرده دون التلاميذ، لأنه لم يكن ممكناً لهم أن يشاركوه هذه اللحظات التي حمل فيها ضعفنا، وشفع عنا بدمه لدي الآب. وكان عمله هذا كان فريداً في نوعه.

قدیس گریگورینیسا معتقد است سید به‌زانو درآمد و به‌تنهایی بدون شاگردانش دعا کرد، زیرا آنها نمی‌توانستند در این لحظاتی که او ضعف‌های ما را به دوش می‌کشد و با خون خود نزد پدر، ما را شفاعت می‌کند همراهش باشند؛ گویا این کار او در نوع خود منحصر به‌فرد بوده است.

ثالثاً: "وصلی قائلاً: یا أبتاه إن شئت أن تجیز عني هذه الكأس، ولكن لتكن لا إرادتي بل إرادتك". سبق لنا ترجمة مقال للقديس يوحنا الذهبي الفم ونشره في كتاب "الحب الإلهي" يفسر هذه الصلاة، لذا أكتفي هنا بتعليقات خفيفة لبعض الآباء في هذا الأمر:

سوم: "و دعا کرده گفت: ای پدر، اگر می‌خواهی این پیاله را از من بگردان؛ اما نه به‌خواست من بلکه به اراده تو". پیشتر ترجمه عبارتی از قدیس جان کریسوستوم و انتشار آن در کتاب «محبت الهی» تقدیم شد که این دعا را تفسیر می‌کند؛ به همین دلیل در اینجا به توضیحات مختصری از بعضی از پدران کلیسا در این رابطه بسنده می‌کنیم:

أ. يرى بعض الآباء أن تعبير "تجيز" أو "تعبر عني"، لا تعني امتناع السيد عن قبول الكأس، إنما يعلن أن كأس الألم تجتاز به أو تعبر دون أن يكون لها سلطان عليه. هكذا يليق بنا أن نطلب من الله أنه وإن سمح لنا بكأس الآلام، لكننا نطلب ألا يحطمننا الألم، ولا يحني نفوسنا بالضيق والتبرم، إنما يجتاز الألم كأميرٍ عابرٍ مؤقت يزكينا ويكلننا!

الف- بعضی از پدران معتقدند عبارت «بگردان» یا «از من بگردان» به‌معنای امتناع سید از پذیرفتن جام نیست؛ بلکه فقط اعلام می‌کند جام درد بدون اینکه سلطه‌ای بر او داشته باشد از او می‌گذرد. شایسته است ما نیز این‌گونه از خدا بخواهیم حتی اگر جام دردها را به ما بدهد؛ لیکن بخواهیم این درد ما را از پا در نیاورد و جان‌های ما را در تنگی قرار ندهد و دچار خستگی نسازد؛ فقط مانند امری گذرا و موقت از ما عبور کند تا ما را پاک بگرداند!

العبارة "لتعبر هذه الكأس" لا تعني أنها لا تقترب منه، فإنه ما كان يمكن للكأس أن تعبر به أو تجتازه ما لم تقترب منه أولاً... فإنها إن لم تصل إليه لا تعبر عنه.

عبارت "این جام را بگذران" به این معنا نیست که جام نزدیک سید نمی‌شود؛ زیرا اولاً ممکن نبود این جام بدون اینکه به او نزدیک شود از او بگذرد... پس اگر این جام به او نزدیک نمی‌شد از او نمی‌گذشت.

القدیس دیونسیوس اسکندری.

قدیس دیونسیوس اسکندری.

ب. یری القدیس امبروسیوس أن ما حدث يؤكد أن السيد المسيح حمل جسداً حقيقياً، وأنه جاء نيابة عن البشرية يحقق إرادة الأب [888].

ب- قدیس امپرسیوس بر این باور است آنچه رخ داده است بر این موضوع تأکید می‌کند که سید مسیح جسمی حقیقی داشت و به نیابت از بشریت آمده بود تا اراده پدر را محقق سازد. [888]

جوهر هذه الصلاة هو تصحيح السيد المسيح لوضعنا، فعوض العصيان الذي مارسه آدم الأول ويعيشه البشر، جاء آدم الثاني، نائبنا ليصحح موقفنا بتسليم الإرادة للأب، مع أن إرادته واحدة مع أبيه.

جوهره این دعا این بود که سید مسیح وضعیت ما را تصحیح کند؛ پس گناهی را که نخستین آدم انجام داده بود و بشر با آن زندگی می‌کند تغییر

داد. آدم دومین که نایب ماست، آمد تا موقف ما را اصلاح کند و تسلیم اراده پدر شویم؛ هرچند اراده او و پدرش یکی است.

وكما يقول القديس ديونيسيوس السكندري: [إذ صار إنساناً حمل ما هو للإنسان... وها هو يسأل الأمور الخاصة بالآب (إرادة الآب) مع أنه من جهة لاهوته إرادته واحدة مع الآب... بالتأكيد لم يطلب المخلص ما هو مستحيل ولا ما هو ليس بعلمي، ولا ما هو مخالف لإرادة الآب.]

همان‌طور که قدیس دیونیسوس اسکندری می‌گوید: «زیرا انسانی شد که آنچه را که برای انسان است بر دوش کشید... و او اموری را که اختصاص به پدر دارد (اراده پدر) درخواست می‌کند؛ با اینکه از جهت لاهوت‌بودنش ارادش با پدر یکی است... تأکید می‌کنم رهایی‌بخش، آنچه را که محال، غیرعملی و مخالف با اراده پدر بود درخواست نکرد.»

ويقول القديس أمبروسيوس:  
[لا توجد إرادة للآب تختلف عن إرادة الابن، بل لهما مشيئة واحدة، لاهوت واحد، ومع ذلك تعلم الخضوع لله [889].]

و قدیس امپرسیوس می‌گوید:  
«اراده پدر تفاوتی با اراده پسر ندارد؛ بلکه این دو خط مشی یکسانی دارند و لاهوتی یکسان هستند؛ با این حال، او تواضع در برابر خدا را فراگرفت.» [889]

ويقول القديس أغسطينوس:

[أنه قادر أن يحضر جيوش من الملائكة ليهلك أعداءه، لكنه كان يجب أن يشرب الكأس التي يريد الآب أن يقدمها له. بهذا يقدم نفسه مثلاً لشرب هذه الكأس، مسلماً إياها لتابعيه معلناً نعمة الصبر بالكلمات كما بالعمل[890].

قدیس اگستینوس می‌گوید:

«او می‌تواند لشکریانی از ملائکه حاضر کند تا دشمنانش را هلاک گرداند؛ اما بایستی جامی را که پدر اراده کرده بود به او تقدیم کند بنوشد. این‌گونه خود را به‌عنوان نمونه‌ای برای نوشیدن این جام تقدیم کرد تا با تسلیم‌شدن در برابر این جام به پیروان خود نعمت صبر را با سخن نشان دهد؛ همان‌طور که با عمل نشان داد.»[890]

يشجعنا القديس يوحنا الذهبي الفم على الإقتداء بالسيد المسيح، قائلاً:  
[إن سقطت في خوفٍ، فانطق بما قاله هو[891].

جان کریسوستوم ما را با اقتدا به سید مسیح تشویق می‌کند و می‌گوید:  
«اگر از چیزی ترسیدی سخنی را بگو که او (مسیح) بر زبان راند.»[891]

رابعاً: "وظهر له ملاك من السماء يقويه". لم يكن السيد المسيح محتاجاً إلى ملاك يقويه، لكنه كممثل للبشرية حمل صورة ضعفنا، فقبل حضرة ملاك من السماء يخدمه. ما حدث للسيد كان لحسابنا نحن الذين نحتاج إلى الملائكة الذين يخدمون "العتيدين أن يرثوا الخلاص" (عب 1: 14).

چهارم: "و فرشته‌ای از آسمان بر او ظاهر شده او را تقویت می‌نمود". سید مسیح نیازی نداشت فرشته‌ای او را تقویت کند؛ اما او به‌عنوان نماینده بشریت، تصویری از ضعف ما را بر دوش کشید؛ بنابر این پذیرفت فرشته‌ای از آسمان حاضر شود و به او خدمت نماید. آنچه برای سید رخ داد بر

اساس محاسبات ما بود؛ اینکه ما به فرشتگان نیاز داریم؛ فرشتگانی که "آنانی که وارث نجات خواهند شد" را خدمت می‌کنند. (عبرانیان ۱:۱۴)

- لكي يظهر لنا قوة الصلاة فنمارسها أثناء صراعنا، ظهر ملاك لربنا ليقويه.

- برای اینکه نیروی دعا را به ما نشان دهد تا در اثنای کشمکش‌های خود به آن اقدام کنیم، فرشته‌ای برای پروردگار ما ظاهر شد تا او را تقویت کند.

الأب ثيوفلاكتيوس.

پدر ثیو فلاکتیوس.

يرى البعض أن ملاكاً ظهر ليمجده، قائلاً له: "لك القوة يا رب، فإنك قادر أن تغلب الموت وتخلص البشرية الضعيفة. هذا ما قاله الأب ثيوفلاكتيوس، ولعله لهذا السبب جعلت الكنيسة تسبحتها طوال أسبوع الآلام تحمل ذات الروح، إذ تردد: "لك القوة والمجد والبركة والعز إلى الأبد، آمين...".

عدهای معتقدند ظهور فرشته برای بزرگداشت او بود در حالی که به او گفت: "خداوندا! قدرت در اختیار توست. تو قادری که بر مرگ غلبه کنی و بشریت ضعیف را نجات دهی. این همان گفته پدر ثیوفلاکتیوس است و شاید به این علت است که کلیسا تسبیح خود را در طول هفته دردها، پذیرفتن آن روح قرار داده است؛ زیرا تکرار می‌کند: «نیرو، بزرگی، برکت و عزت تا ابد برای توست، آمین...".



خامساً: "وإذ كان في جهاد كان يصلّي بأشدّ لاجاة، وصار عرقه كقطرات دم نازلة على الأرض، ثم قام من الصلاة، وجاء إلى تلاميذه، فوجدهم نياماً من الحزن فقال لهم: لماذا أنتم نيام؟ قوموا وصلوا لئلا تدخلوا في تجربة". هذا وصف يسجله لوقا البشير بلغة الطب: "كان في جهاد"، فقد دخل السيد المسيح في صراع حقيقي حتى صار عرقه كقطرات دم نازلة على الأرض. لقد صار هابيل الجديد الذي تتقبل الأرض دمه، لكن الأول تقبلته كثمره حسد وحقد في قلب قايين أخيه، أما الثاني فتقبله ثمرة حب حقيقي نحو البشرية كلها. دم هابيل يطلب النعمة من قاتله، أما دم السيد المسيح فيطلب النعمة لكل مؤمن به.

پنجم: "پس به مجاهده افتاده و به سعی آشکار دعا کرد؛ چنانکه عرق او مثل قطرات خون بود که بر زمین می ریخت. سپس از دعا برخاسته، نزد شاگردان خود آمده، ایشان را از حزن، در خواب یافت. به ایشان گفت: چرا در خواب هستید؟ برخاسته دعا کنید تا در امتحان نیفتید!" این توصیفی است که لوقای بشیر به زبان پزشکی به ثبت رسانده است: «به مجاهده افتاد.» بهرستی که سید مسیح در یک نزاع حقیقی وارد شد تا آنجا که عرق او مانند قطرات خون بر زمین می ریخت. تبدیل به هابیل جدیدی شد که زمین خورش را پذیرفت؛ زمین، هابیل اول را به عنوان نتیجه حسد و کینه ای که در قلب برادرش قابیل بود پذیرفت؛ اما دومی را به عنوان نتیجه محبت حقیقی تمامی بشریت پذیرفت. خون هابیل، انتقام از قاتلش را درخواست می کند، اما خون سید مسیح خواهان نعمت برای همه مؤمنان به اوست.

كان المعلم يصارع بحق، وكان التلاميذ في عجز غير قادرين حتى على مقاومة النوم، لذا جاء السيد يعاتبهم ويوصيهم بالسهر مع الصلاة حتى لا يدخلوا في تجربة.

معلم در حال دست‌وپنجه نرم کردن با حق بود، در حالی که از اینکه حتی در برابر خواب مقاومت کنند نیز عاجز بودند؛ به همین دلیل سید آنها را سرزنش کرده، توصیه به شب‌زنده‌داری و دعا نمود تا در امتحان وارد نشوند.

-لقد حمل في نفسه آلامي، لكي يمنحني فرجه!

- دردهای مرا در خودش حمل نمود تا شادی خود را به من ببخشد!

بثقة انكر حزنه، إذ أكرز بصليبه، كان يلزم أن يحمل الأحران لكي يغلب...

با اطمینان از حزن او یاد می‌کنم؛ زیرا با صلیبش موعظه کرد. او بایستی غمها را بدوش می‌کشید تا غالب شود...

لقد أراد لنا أن نتعلم كيف نغلب الموت، بالأكثر نحطم الموت القادم (الأبدي).

او می‌خواست ما بیاموزیم چگونه بر مرگ غلبه کنیم و تا حد امکان مرگ پیش‌رو (مرگ ابدی) را در هم بشکنیم.

لقد تألمت أيها الرب لا بالأمك، وإنما بالأمي، إذ جرح لأجل معاصينا...

ای پدر! درد و رنج کشیدی! نه برای دردهای خود، بلکه به‌سبب دردهای من؛ زیرا او به‌سبب گناهان ما مجروح شد...

ليس بعيداً عن الحق أنه قد تألم من أجل مضطهديه، إذ يعرف أنهم يعانون العقوبة من أجل تدنيسهم للمقدسات.

بعید نیست او بهسبب کسانی که به او ستم کردند دردمند شده باشد؛ زیرا می‌دانست آنها بهسبب آلوده کردن مقدسات عقوبت خواهند شد.

القدیس امبروسیوس.

قدیس امپروسیوس.

-كان العرق يتصبب كالدّم وربنا يصلي، ممثلاً الاستشهاد الذي يحل بكل جسده، أي الكنيسة.

- در حالی که پروردگار ما دعا می‌خواند، عرق همچون خون جاری می‌شد، و این تمثیلی از استشهادی بود که با تمام بدن خودش گواهی می‌داد؛ یعنی کلیسا.

القدیس اغسطینوس.

قدیس اگوستینوس.

-فاضت قطرات العرق منه بطريقة عجيبة كقطرات دم، كما لو أنه استنزف دمه، مفرغاً ينبوع الخوف اللائق بطبيعتنا.

- قطره‌های عرق به طرز عجیب مانند خونی که از بدن درآمده باشد از او جاری بود؛ در حالی که از ترس خالی بود؛ ترسی که شایسته طبیعت ماست.

## (لئلا تدخلوا في تجربة).

### «تا در امتحان نیفتید.»

من یثبت فی التجربة ویحتملها، فمثل هذا وإن كان بالحقیقة یُجرب لكنه لا یدخل فی تجربة، ولا یسقط تحتها. هكذا اقتاد الروح یسوع لا یدخل فی تجربة وإنما لكي یجربه الشیطان (مت 4: 1). وإبراهیم أيضاً لم یدخل فی تجربة، ولا قادة الله فی تجربة إنما جربه (امتحنه) دون أن یسحبه فی التجربة (أي تحتها)..

الشیطان یسحبنا بالقوة لكي یهلکنا، لكن الله یقودنا بیده لیدربنا علی خلاصنا. القديس ديونيسیوس السكندري) القمص تدرس یعقوب ملطي - تفسیر إنجيل لوقا 22 - الصديق المتألم.

اگرچه کسی که در امتحان ثابتقدم مانده و آن را تحمل کرده، مورد آزمون واقع شده است؛ اما در آن داخل نشده و به زیر آن سقوط نکرده است. اینگونه روح، یسوع را به پیش برد، نه برای اینکه داخل آزمون بشود؛ بلکه برای اینکه شیطان او را بیازماید (متی ۱: ۴) ابراهیم نیز وارد آزمون نشد و خدا او را وارد آزمایش نکرد؛ بلکه فقط او را امتحان کرد بدون اینکه او را به زیر آزمایش بکشد... شیطان با تمام نیرو ما را می‌کشد تا هلاک گرداند؛ اما خدا با دست خود ما را رهبری می‌کند تا ما را برای رهاییمان آماده سازد. قدیس دیونیسیوس اسکندری. (تفسیر انجیل لوقا ۲۲ - دوست دردمند)

• مناقشة نص من كتاب آلام المسيح والقيامة - دراسة في الأناجيل الأربعة.  
القس انطونيوس فكري.  
يقول القس انطونيوس فكري:

• بررسی قسمتی از متن کتاب رنج‌های مسیح و قیامت، رساله‌ای در باب انجیل‌های چهارگانه، کشیش آنتونیوس فکری. وی می‌گوید:

(آیه 39): "ثم تقدم قليلاً وخر على وجهه وكان يصلي قائلاً يا أبتاه إن أمكن فلتعبر عني هذه الكأس ولكن ليس كما أريد أنا بل كما تريد أنت!".  
إنَّ إرادة الآب وإرادة الابن واحدة فهما روح واحد، ولكنه جاء نيابة عنا نحن الذين رفضنا إرادة الله فخضع للصليب بسرور من أجل الطاعة للآب. وفي نفس الوقت كان المسيح يريد ذلك. ونرى في كلام المسيح أنه يعلن إرادة الآب المحب (يو:3:16).

آیه 39: "پس قدری پیش رفته به روی در افتاد و دعا کرده، گفت: ای پدر من، اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد؛ اما نه به خواهش من بلکه به اراده تو".

اراده پدر و پسر یکی است و آنها روح یکسانی هستند؛ اما عیسی به نیابت از ما که اراده خدا را نپذیرفتیم آمد و با سروری که حاصل اطاعت از پدر بود در برابر صلیب خاضع شد. مسیح در همان زمان نیز همین را خواهان بود. در کلام مسیح می‌بینیم او اراده خدای با محبت را آشکار می‌کند.  
(یوحنا ۳: ۱۶)

لماذا طلب المسيح أن تعبر عنه الكأس

[۱] هل خاف؟

[۲] هل هو لا يعلم أنه سيقوم؟

[۳] هل إرادته غير الآب؟ (...).

چرا مسیح تقاضا کرد جام از او بگذرد؟

۱- آیا ترسید؟

۲- آیا او نمی‌داند به زودی برخواهد خاست؟

### ۳- آیا اراده او چیزی غیر از اراده پدر است؟ (...).

ثم يجيب عن أسئلته فيقول:

"1" لقد سلم المسيح نفسه بإرادته، فهو كان يمكنه الهرب وقت أن سقط الجند عند قوله أنا هو (يو 18:6)، بل هو كان في إمكانه أن يؤذيهم كما سبق وفعل بشجرة التين بل هو قال لتلاميذه "قد إقترب الذي يسلمني" فلو أراد الهرب لهرب. وكان يمكنه أن يجتاز كما إجتاز من قبل دون أن يمسه أحد (لو 29:4، 30 + لو 53:22 + يو 10:10 + في 2:6-8 + يو 17:10 + يو 1:17 + مت 23-21:16 + مت 46:21 + يو 44:7 + يو 59:8) بل هو ثبت وجهه لينطلق إلى أورشليم حين تمت الأيام لارتفاعه (لو 9:51). من هنا نفهم أنه لم يخاف الموت. وهناك من يسأل لماذا ذهب إلى بستان جثسيماني في جبل الزيتون ألا يعتبر هذا هروباً؟ والإجابة أن اليهود كانوا لا يريدون إلقاء الأيدي عليه وسط المدينة حتى لا يحدث شغب كثير بسببه. والدليل أن يهوذا كان يريد أن يسلمه خارجاً عن الجمع، والمسيح كان يعلم أن يهوذا كان عارفاً بأنه يذهب إلى بستان جثسيماني (يو 18:2). ولو حدث قتل وشغب لكان هذا دليلاً لليهود أن بسببه صار شغب وقتل وبالتالي فهو يستحق الموت، وتكون حجتهم أنهم قتلوه ليمنعوا الشغب. وهو ذهب للبرية أيضاً ليعطي فرصة لتلاميذه أن يهربوا بعد إلقاء القبض عليه (يو 18:8، 9). فكان التلاميذ في ضعفهم سينكرون الإيمان كلهم كما فعل بطرس، فضلاً عن أن السيد كان قد إعتاد أن يصلي في البرية وهو لم يرد أن يصلي في العلية فيسمعونه، أي تلاميذه. ولو حدث القبض عليه في المدينة فسيدافع عنه أحبائه، وهو لا يريد لأحد أن يدافع عنه. فهو يسلم نفسه بإرادته ولا يريد كرامة بشرية من أحد، كما أنه لا يريد أن يُقتل أحد بسببه).

وی این پرسشها را پاسخ داده می‌گوید:

«1- مسیح نفس خود را با اراده خود تسلیم کرد. زمانی که گفت من همان هستم و سربازها بر زمین افتادند او می‌توانست فرار کند (یوحنا 18:6)

حتی می‌توانست همان‌طور که گفته شد و با درخت زیتون انجام داد آنها را آزار دهد و حتی به شاگردانش گفت: «کسی که می‌خواهد مرا تسلیم کند نزدیک شده است.» پس اگر قصد فرار داشت این کار را انجام می‌داد و می‌توانست برود؛ چنانچه قبل از آن، این کار را بدون اینکه دست کسی به او برسد انجام داده بود (لوقا 4: 29 و 30، لوقا 22: 53، یوحنا 10: 10، فیلیپیان 2: 6-8، یوحنا 10: 17، یوحنا 17: 1، متی 16: 21-23، متی 21: 46، یوحنا 7: 44 و یوحنا 8: 59). اما چون روزهای صعود او نزدیک می‌شد روی خود را با عزم ثابت به‌سوی اورشلیم نهاد (لوقا 9: 51). از اینجا متوجه می‌شویم او از مرگ نمی‌هراسید. اگر کسی بپرسد چرا او به‌سوی بوستان جثسیمانی در کوه زیتون رفت؟ آیا این کار فرار محسوب نمی‌شود؟ پاسخش چنین است که یهود نمی‌خواست در وسط شهر او را دستگیر کند؛ زیرا به این ترتیب سروصدای زیادی به‌پا می‌شد. دلیل این سخن این است که یهودا می‌خواست در بیرون از جمع او را تسلیم کند و مسیح می‌دانست یهودا آگاه است که او به بوستان جثسیمانی می‌رود (یوحنا 18: 2). اگر فتنه و کشتاری اتفاق می‌افتاد دست‌آویزی برای یهود بود که به‌سبب او چنین شده و او مستحق مرگ است و حجت آنها چنین می‌شد که برای جلوگیری از فتنه او را کشته‌اند. همچنین او به بیابان رفت تا شاگردان او بتوانند بعد از دستگیری‌اش بگریزند (یوحنا 18: 8 و 9). در نتیجه شاگردانش به‌دلیل ضعفی که داشتند همگی ایمان خود را انکار می‌کردند؛ چنانچه پطرس این کار را کرد. علاوه بر این سید عادت داشت در بیابان دعا کند و نمی‌خواست در بلندی دعا کند تا شاگردانش صدای او را بشنوند. اگر دستگیری او در شهر اتفاق می‌افتاد، دوستدارانش از او دفاع می‌کردند و او نمی‌خواست کسی از او دفاع کند. بنابراین او به اراده خود تسلیم شد و خواهان کرامت بشری از سوی هیچ‌کس نبود؛ همان‌طور که نمی‌خواست کسی به خاطرش کشته شود.»

أقول:

-إذا كان المسيح سلم نفسه بإرادته وهو كان يمكنه الهرب فهذا دليل على علمه بأهمية الصلب فكيف يطلب أن يبعد عنه هذا الأمر وفي نفس الوقت يسلم نفسه؟!

می گویم:

- تسلیم شدن مسیح به اراده خود، آن هم در حالی که می توانست فرار کند، دلیل بر علم او در اهمیت به صلیب رفتن است. حال چگونه هم می خواهد این واقعه از او دور شود و هم در عین حال خود را تسلیم می کند؟!

ثم إنَّ هذا مصادرة على المطلوب؛ لأن الدعاء والتوسل سابق على ما يستشهد به القس من هدوء ورباطة جاش لمن سلم نفسه والذي سلم نفسه هو الشبيه الذي جاء استجابة لدعاء عيسى (ع) ولذلك فمواقفهما متباينة تماماً!

به علاوه، این سخن نوعی مصادره به مطلوب است؛ چرا که دعا و توسل، قبل از چیزی بوده که کشیش به آن استناد می کند؛ یعنی قبل از آرامش و اطمینان خاطر شخصی که خودش را تسلیم کرده است. کسی که خود را تسلیم می کند همان شبیه است که برای استجابات دعای عیسی ع آمد و بهمین دلیل است که موضع گیری این دو شخص کاملاً متفاوت است!

- ما قدمه القس انطونيوس فكري يعني أحد أمرين؛  
إما أن المسيح (ع) سلم نفسه وهو مطمئن باستجابة الله لدعائه وأنه سينجيه منهم،

أو أن الذي سلم نفسه غيره وهو الشبيه الذي نزل بعد دعاء المسيح (ع)، وما عدى هذين الأمرين فيكون سفهاً منسوباً إلى عيسى (ع) وحاشاه!

- مطلبی که کشیش آنتونیوس فکری بیان می دارد بمعنای یکی از این دو مورد است؛



مسیح ع خود را تسلیم کرد در حالی که اطمینان دارد خداوند دعای او را اجابت می‌کند و از دست آنها نجاتش می‌دهد، یا اینکه کسی غیر از او خود را تسلیم کرده و او همان شبیهی است که بعد از دعای مسیح ع نازل شده است؛ و غیر از این دو مورد، مطلب سفیهانه‌ای خواهد بود که به عیسی ع نسبت داده می‌شود؛ و حاشا که چنین باشد!

قال القس انطونیوس فكري:

("2" هو أعلم تلاميذه بقيامته (مت 21:16)، بل كان يعلم كل شيء، وعلم أن بطرس سينكره 3مرّات، وعرف أن بطرس يصطاد سمكة بها استاراً (مت 27:17) وهو علم حال السامرية وكان يعلم ضمائر الناس وتنبأ بما سيحدث لأورشليم وأعظم شيء في هذا المقال قوله ليس أحد يعرف الآب إلاّ الابن (مت 27:11). إذاً هو كان عارفاً بما سيحدث له، فلماذا إذاً صلّي لتعبر عنه هذه الكأس؟ هو بهذا أظهر أنه إنسان كامل يضطرب ويحزن، كما كان يجوع ويعطش.. وهو بسماحه أظهر اضطرابه لنعرف إنسانيته ثم أظهر شجاعته بعد ذلك مع الجند. وكان إظهار اضطرابه ليستدرج الشيطان ليقرب منه فيغلبه الرب، فهو كان يخفي عن إبليس تدبيره. وهو صلي هكذا لنتعلم أن نصلي "لتكن مشيئتك").

کشیش آنتونیوس فکری می‌گوید:

«2- او شاگردانش را از رستاخیز خود آگاه کرد (متی ۱۶: ۲۱) و حتی همه چیز را تعلیم داد و گفت پطرس او را سه مرتبه انکار خواهد کرد. او یک ماهی می‌گیرد که در آن چهار درهم وجود دارد (متی ۱۷: ۲۷). او دربارهٔ سامریون خبر داد. از ضمیر مردم آگاه بود و از حوادث آیندهٔ اورشلیم خبر می‌داد. بزرگترین سخن او در اینجا چنین است: هیچ‌کس به‌جز پسر نمی‌تواند پدر را بشناسد (متی ۱۱: ۲۷). بنابراین او به آنچه برایش رخ خواهد داد آگاه بود؛ پس چرا دعا کرد که این جام از او بگذرد؟ این‌گونه بیان

می‌دارد که او انسان کاملی است که دچار اضطراب و حزن می‌شود؛ همان‌طور که گرسنه و تشنه می‌شود... او با بلندنظری‌اش اضطراب خود را نشان می‌دهد تا به انسان‌بودنش پی ببریم و بعد از آن شجاعت خود را در برابر سربازان بروز می‌دهد. اضطرابش را اظهار می‌کند تا شیطان را فریب دهد تا او را زهره به خودش نزدیک کند و خداوند بر او غلبه کند؛ بنابراین او تدبیر خود را از ابلیس پنهان می‌کرد. اینچنین دعا کرد تا ما این‌گونه دعا کنیم: باید مشیت تو به انجام برسد.»

أقول:

- لو كان عالماً بأنَّ العذاب سيقع عليه والصلب سيقع عليه وأن هذه إرادة الله ومشيئته فكيف يكون دعاؤه بما يخالف مشيئة الله، إن هذا إلا انتقاص من مقام ذلك النبي العظيم عيسى (ع) وحاشاه.

می‌گویم:

- اگر مسیح می‌دانست عذاب و صلیب بر او واقع می‌شود و این واقعه به اراده و مشیت خداوند است، پس چرا دعای او مخالف مشیت خداوند بوده است؟ این سخن از قدر و منزلت این پیامبر بزرگ کم می‌کند؛ و حاشا از او!

-أما مسألة الاضطراب فالقس مرة يقول إنه فعلاً مضطرب كإنسان، ومرة هو ليس مضطرباً ولكن فقط يخادع ويكذب (وحاشاه) لاستدراج الشيطان، وهذا قول متناقض ومحاولة يائسة في غاية السفه مع الأسف وهذا هو الذي أشار إليها إمام أحمد الحسن (ع) من قبل.

- اما در رابطه با اضطراب؛ کشیش مذکور یک مرتبه می‌گوید او همانند انسان مضطرب است و بار دیگر می‌گوید او مضطرب نیست! عیسی

فريبكارى مى‌كند و دروغ مى‌گويد (و حاشا از او) تا موجب فريبخوردن شيطان شود! متأسفانه اين سخنى متناقض و تلاشى نوميدانه در غايت نادانى است كه امام احمدالحسن ع به آن اشاره فرموده‌اند.

-إن كان طلب عيسى(ع) على معرفة يقينية منه بحتمية وقوع الصلب عليه فهذا يناقض كونه خليفة الله (ع) وإرادته إرادة الله ومطيعاً لله، فلا يبقى إلا الأمران:

- اگر عيسى ع در حالى كه به حتمى بودن به‌صليب‌رفتنش يقين داشته است چنين درخواستى از خدا كرده باشد، اين تناقضى خواهد داشت با اين موضوع كه او خليفه و مطيع خدا، و ارادش اراده خدا باشد! در نتيجه فقط دو حالت باقى است:

الأول: أن يكون عيسى (ع) أثناء طلبه لا يعلم هل الصلب حتمي الوقوع، وهذا يعني أن عيسى (ع) يجهل، وهذا يناقض عقيدة المسيحيين في ألوهيته.

اول: عيسى ع زمانى كه از خدا چنين درخواستى كرده، به حتمى بودن به‌صليب‌رفتن آگاهى نداشته است و اين يعنى در عيسى ع نادانى وجود دارد كه عقيدة مسيحيان در رابطه با الوهيت عيسى را نقض مى‌كند.

الثاني: يعلم يقيناً بوقوع الصلب ويعلم أيضاً يقيناً أن الذي سيقع عليه الصلب يمكن أن يكون هو كما يمكن أن يكون غيره، أي أنه يعلم من الله أنه يمكن له أن يطلب أن يكون غيره الذي ينفذ الأمر بدلاً عنه إن لم يستطع هو تحمل ذلك التكليف...وهنا يكون طلب عيسى (ع) موافقاً للحكمة.

دوم: او يقين دارد واقعةً بصليب رفتن رخ خواهد داد و نیز يقين دارد کسی که به صليب می‌رود ممکن است او یا شخص دیگری باشد؛ یعنی از سوی خدا علم و آگاهی دارد که می‌تواند از خدا بخواهد اگر توانایی تحمل این تکلیف را نداشته باشد شخص دیگری به‌جای او این وظیفه را به‌انجام برساند... که در این صورت خواسته عیسی ع موافق حکمت است.

قال القس انطونيوس فكري:

("3" السيد قال أنا والآب واحد (يو:10:30) وكل ما للآب هو لي (يو:16:15). فإذا كانا واحداً في الذات فهما واحداً في المشيئات. والمشيئة الإلهية اتحدت أيضاً بالمشيئة الإنسانية حين اتحد اللاهوت بالناسوت. وحتى قوله ما جئت لأصنع مشيئتي بل مشيئة الذي أرسلني (يو:6:38، 5:19) لا يعني وجود مشيئتان بل أن الجسد في ضعفه العادي يريد شيئاً ولكن المسيح لا ينفذه، لأن مشيئته هي أن يصنع مشيئة الآب بل حتى القديسين صار لهم نفس الوضع فهم لا يصنعون سوى مشيئة الله ولا يستجيبون لنداءات الجسد. فكم بالأكثر من اتحد لاهوته بناسوته. لكل هذا نرى أنه أطاع حتى الموت موت الصليب. أي إنسان منا إذا علم أن هناك ضيقة تنتظره من المؤكد سيضطرب ويتمنى ألا تحدث، ويصلي. وبعد فترة من الصلاة يقنعه الروح القدس بأن يسلم الأمور لله، فيقول "لتكن مشيئتك" والمسيح لأن إنسانيته كانت كاملة اضطرب إذ أتت الساعة بينما هو كان يعرفها. وصلى. ولكن لم يأخذ الأمر معه وقتاً ما بين "إن أمكن فلتعبر عني هذه الكأس" وبين "ليس كما أريد أنا بل كما تريد أنت" لقد أختزل الوقت إلى لا شيء. فأرادته هي إرادة الآب هي الإرادة الإلهية التي فيه.....

.....قصص حزن المسيح تختلف من إنجيل لآخر فلماذا؟

كشيش أنتونيوس فكري می‌گوید:

«3 سید می‌گوید: من و پدر یکی هستیم (یوحنا ۱۰: ۳۰) هرچیزی برای پدر باشد برای من است (یوحنا ۱۶: ۱۵). وقتی این دو در ذات یکی باشند خواست و مشیت آنها نیز یکی است. زمانی که لاهوت با ناسوت یکی باشد مشیت الهی نیز با مشیت انسانی یکی خواهد شد. حتی این سخن عیسی که: نیامده‌ام تا خواسته خود را برآورده سازم، بلکه برای مشیت کسی که مرا فرستاده است آمده‌ام (یوحنا ۶: ۳۸ و ۵: ۱۹) این سخن به‌معنای وجود دو مشیت و دو خواسته نیست، بلکه جسم به‌جهت ضعف معمول خود، چیزی را اراده می‌کند، اما مسیح آن را برآورده نمی‌کند؛ زیرا او می‌خواهد خواسته پدر را برآورده سازد؛ حتی قدیسان نیز چنین وضعیتی دارند. آنها فقط خواسته خدا را انجام می‌دهند و ندهای جسم خود را اجابت نمی‌کنند. بنابراین لاهوت بیشتر آنها با ناسوتشان یکی است. به همین سبب است که عیسی حتی در رابطه با مرگ با صلیب هم مطیع بود. هر یک از ما انسان‌ها زمانی که بدانند مصیبتی در انتظار اوست قطعاً مضطرب شده، آرزو می‌کند آن اتفاق واقع نشود و دعا می‌کند. مدتی که از دعا می‌گذرد، روح‌القدس او را قانع می‌کند که امور را به خدا واگذار کند؛ بنابراین می‌گوید: «باید مشیت تو انجام شود.» مسیح به‌سبب آنکه دارای انسانیت کامل بود، زمانی که وقت آن واقعه فرا رسید دست به‌دعا شد، در حالی که قبلاً از این قضیه مطلع بود. اما بین «اگر ممکن است این جام از من بگذرد» و «نه به خواهش من بلکه به اراده تو» وقت زیادی از او نگرفت و این زمان بسیار ناچیز بود. پس اراده او همان اراده خداست؛ همان اراده الهی...  
...چرا ماجرای اندوه مسیح از انجیلی به انجیل دیگر متفاوت است؟

لقد أخبر كل واحد من الإنجيليين بحال من أحواله، وبعضهم اشترك في بعض الأخبار. وعموماً هم اقتسموا الأخبار ومن هنا نرى تكامل الأربعة (أنجيل....)

القس انطونيوسفكري - آلام المسيح والقيامة - دراسة في الأناجيل الأربعة -  
يوم الخميس من أحداث أسبوع الآلام: 4- يسوع المسيح في بستان  
جستيماني.

هريك از نگارندگان انجيلها، يكي از احوال او را گزارش داده‌اند و در  
بعضی از گزارشها نیز اشتراك دارند. بطور کلی آنها اخبار را بين خود  
تقسيم کرده‌اند و به اين جهت، انجيلهای چهارگانه مکمل يکديگرند...»  
(دردهای مسيح و رستاخيز، رساله‌ی در انجيلهای چهارگانه، روز پنجشنبه  
از حوادث هفته دردها: 4- عیسی مسیح در بوستان جستيمانی)

- الوقت مهما قصر بين الكلمتين ولو لأن فهو ليس منعماً بل موجود، وفي  
هذه الفترة ولو قصيرة طلب المسيح (ع) أن يبعد عنه الأمر أياً نال الإشكال المطروح  
لا يرتفع بقصر الوقت أو طوله !!

- فاصله زمانی میان این دو سخن، هر قدر هم کوتاه بوده باشد، بلافاصله  
نبوده؛ بلکه فاصله زمانی کوتاهی وجود داشته است. در این مدت حتی اگر  
اندک باشد، مسیح ع از خدا می‌خواهد این واقعه را از او بردارد؛ در نتیجه  
اشکالی که مطرح است با کوتاهی یا بلندی زمان برطرف نمی‌شود!

- لقد بين السيد المسيح (ع) أن ما دعا به وهو أن يبعد عنه الله سبحانه العذاب  
والصلب هو إرادته، فهو رجاء ودعاء وميل لهذا الأمر، كما وبين بكل وضوح أن  
هذا الدعاء واقع ضمن إرادة الله المرضية بقوله: (ولكن لتكن إرادتك لا  
إرادتي)، أي أن هذا الإعفاء هو ضمن رضاك فهو عاجز عن تحمل الصلب  
وطلب بإذن من الله سبحانه وتعالى (لتكن إرادتك) أن يبعد عنه، وفي هذه  
الكلمات كفاية لمن طلب الحق.

- سید مسیح ع روشن کرده است دعایی که انجام داده یعنی اینکه خداوند سبحان این شکنجه و به صلیب کشیده شدن را از او بردارد. خواست و اراده خداوند بوده است؛ پس این دعا، تمایل و امیدی برای این عمل است؛ همان گونه که به وضوح بیان می کند که این دعا در ضمن اراده خداوند است: «لیکن برای اینکه اراده تو واقع شود و نه اراده من.» یعنی این معاف کردن در ضمن رضای توست و عیسی از تحمل صلیب ناتوان است و به اذن خدا از او می خواهد این واقعه از او دور شود (برای اینکه اراده تو واقع شود). این عبارتها برای کسی که خواهان حق است کفایت می کند.

بقي شيء، وهو قول بعضهم أنّ الحزن والاضطراب إنما كان لأجل أنه حمل خطايا البشر، وهم يريدون بذلك أنّ عيسى (ع) لما قبل أن يتحمل عن قومه خطاياهم فهو تلبس بها فأصبح بذلك مذنباً وهذا ما جعله في هذه الحالة، فهو أيضاً مردود، ومن وجوه عديدة نكتفي بنقطتين لردّها:

یک نکته باقی می ماند و آن گفته برخی از علمای مسیحی است که گفته اند حزن و اضطراب مسیح به دلیل تحمل گناهان بشر است؛ منظور آنها این است که زمانی که عیسی ع تحمل گناهان قوم خود را پذیرفت، به این سبب جامعه این گناهان را پوشید و گناهکار شد و این کار او را در این وضعیت قرار داد. این سخن نیز از نقطه نظرهای مختلفی مردود است که ما در اینجا به دو نکته از آن بسنده می کنیم:

أولاً: مسألة تحمل خليفة الله (ع) عن المؤمنين وعن من يرجى إيمانهم بغض النظر عن قصة الصلب لا تعني أنّ خليفة الله يصبح بذلك مذنباً والعيان بالله، بل تعني أنه بقبوله ذلك باختياره يتحمل العناء والجهد ويصبر على قومه وعلى ما يعانيه من أجل هداية الناس، وقد تقدم شرح هذا الأمر بأفضل بيان في

کلمات الإمام أحمد الحسن (ع) ضمن شرحه لقضية الحجر الأسود أو حجر الزاوية، فراجع.

اول: صرفنظر از قضیه به‌صلیب‌رفتن، این موضوع که خلیفه خدا ع متحمل گناهان مؤمنان و کسانی می‌شود که امید به ایمان آنها وجود دارد، به این معنا نیست که خلیفه خدا (پناه بر خدا) به این سبب گناهکار می‌شود؛ بلکه به این معناست که او با پذیرفتن اختیاری این مسئله، سختی و مشقت را پذیرفته است، و بر قوم خود و آنچه به‌جهت هدایت مردم به او می‌رسد صبر می‌کند. شرح این مسئله به بهترین شکل در سخنان امام احمد‌الحسن ع در توضیح قضیه حجرالاسود یا «سنگ زاویه» تقدیم شد.

ثانياً: هذا الاعتقاد يناقض عقيدة المسيحيين بألوهية السيد المسيح (ع) المطلقة، فالخطايا إن حملها فعلاً وتلبست به تكون ظلمة، واللاهوت المطلق نور لا ظلمة فيه !!!

دوم: این اعتقاد با عقیده مسیحیان در تناقض است؛ چرا که آنها به الوهیت مطلق سید مسیح ع معتقدند؛ اگر عیسی متحمل و آلوده به گناهان شده باشد او دارای ظلمت خواهد بود، در حالی که لاهوت مطلق نوری است که هیچ تاریکی‌ای در آن راه ندارد!

\*\*\*



